



# تنفس در هوای تئاتر

مقالاتی در بابِ درامِ مدرن

| گزینش و ترجمه: علی اکبر علیزاد - رضا سرور | تئاتر: نظریه و اجرا (۱۰)

| BREATHING IN THE AIR OF THEATER | Edited by Ali Akbar Alizad - Reza Soroor |





| تنفس در هوای تناتر: مقالاتی در باب درام مدرن |

| گزینش و ترجمه: علی اکبر علیزاد - رضا سرور |

| ویراستار: هدیه رهبری |

| مدیر هنری و طراح گرافیک: سیاوش نصاعدیان |

| صفحه‌آرایی: آلاشویز | نمونه‌خوان: امین علی‌اکبری |

| مدیر تولید: مصطفی شریفی |

| چاپ سوم | ۱۳۹۸ تهران | ۵۰۰ نسخه |

| شابک: ۴-۷۹-۵۱۹۳-۶۰۰-۹۷۸ |

---

| Bidgol Publishing co. |  | نشر بیدگل |

| تلفن انتشارات: ۲۸۴۲۱۷۱۷ |

| فروشگاه | تهران | خیابان انقلاب | بین ۱۲ فروردین و فخررازی | پلاک ۱۲۷۴ |

| تلفن فروشگاه: ۱۷۳۶۹۶۶۴۵، ۳۵۴۶۶۴۶۶۴۵ |

---

| [bidgolpublishing.com](http://bidgolpublishing.com) |

| همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است. |



## مجموعه تئاتر: نظریه و اجرا

چرا به نظریه و عمل تئاتر نیاز داریم؟ جدایی نظریه و عمل در تئاتر ایرانی چه پیامدهایی را به همراه داشته است؟ بعد از چندین دهه از سپری شدن عمر تئاتر ایرانی، نیاز به ترجمه آثار کلاسیک نظریه پردازان و پیشروان تئاتر بیش از پیش در تئاتر ما حس می شود.

**مجموعه تئاتر: نظریه و اجرا**، با این نیت طراحی شده است تا به معرفی جریان های مهم تئاتری دنیا، در دوره ما بپردازد. سنت هایی که لزوم خوانش مجددشان از هر جهت حس می شود. بر این اساس معرفی جریان های عمده تئاتر و اجرای معاصر، بازخوانی آنها، تأکید نهادن بر رابطه میان عمل و نظریه تئاتر از اهداف اصلی این مجموعه است.

دبیر مجموعه  
علی اکبر علیزاد

## | فهرست مطالب |

۹ مقدمه . تئاتر مدرن: متن و اجرا

### فصل اول: متن

- ۱۷ ۱. استعاره‌ای در باب فرم دراماتیک . ماروین روزنبرگ
- ۳۱ ۲. مقدمه نویسنده بر میس ژولی . آگوست استریندبرگ
- ۴۷ ۳. تأویل شخصی از ایبسن . اریک بنتلی
- ۶۳ ۴. یادداشت‌های چخوف بر باغ آلبالو
- ۷۳ ۵. چخوف در تحول تئاتر مدرن . پیتر شوندی
- ۸۱ ۶. خدایان همراه با آدمیان نابود می‌شوند . ژان پل سارتر
- ۸۷ ۷. دیالکتیک‌های گالیله . ارنست شوماخر
- ۱۰۵ ۸. روان‌پریشی افراد بی‌طرف: فردریش دورنمات . مارتین اسلین
- ۱۱۵ ۹. یونسکو . سوزان سانتاگ
- ۱۲۵ ۱۰. یادداشتی دربارهٔ رئالیسم بکت . یان کات
- ۱۳۱ ۱۱. در انتظار گودو در سارایوو . سوزان سانتاگ

### فصل دوم: اجرا

- ۱۴۱ ۱۲. یادداشت‌هایی در باب تئاتر قساوت . چارلز ماروویتز
- ۱۵۵ ۱۳. تأثیر بیگانه‌سازی . برتولت برشت

- ۱۶۳ .۱۴. تکنیک بازیگر . یرژی گروتفسکی
- ۱۷۳ .۱۵. سفر تادئوش کانتور . یان کلسوویچ
- ۱۸۵ .۱۶. گفت‌وگو با پیتر بروک . ریچارد شکنر و دیگران
- ۲۰۵ .۱۷. طلسمی برساخته از خاطره . یوجینیو باربا
- ۲۱۳ .۱۸. هملت در پایان جهان . مایک هامبورگر
- ۲۲۱ .۱۹. یادداشت‌هایی در باب بهشت اکنون! . لیوینگ تیه‌تر
- ۲۳۵ .۲۰. رابرت ویلسون و بازیگر . الن هالپرین رویر



## | مقدمه |

### | تئاتر مدرن: متن و اجرا |

۱

فکر شکل‌گیری این کتاب به مدت‌ها پیش بر می‌گردد، زمانی که هر کدام از ما کارمان را در تئاتر شروع کرده بودیم، یکی به‌عنوان نمایشنامه‌نویس و دیگری به‌عنوان کارگردان. از اواخر دههٔ هفتاد تا اوایل دههٔ هشتاد، هر دوی ما تعداد زیادی متن ترجمه کرده بودیم که اکثرشان در مجلات ماهانه یا فصلنامه‌های تئاتری چاپ می‌شد. و در عین حال، از چاپ هرگ و استعاره (سرور) تا اجرای در انتظار گودو (علیزاد) فاصلهٔ چندانی نبود. از سال ۱۳۸۴، همزمان با شکل‌گیری ایدهٔ اولیهٔ گروه تئاتر ۸۴ و آغاز همکاری مداوم ما، تمرکزمان بیشتر معطوف به مسئلهٔ دراماتورژی و اجرا گشت و گرایش هر یک از ما به یکی از این دو حوزه، زمینه‌ساز پژوهش/ترجمه/اجرای متون متفاوت و متنوعی شد. نمایشنامه‌هایی که در طی این مدت ترجمه/اجرا شد، از جمله: در انتظار گودو (بکت، ۱۳۸۳)؛ اولئانا (ممت، ۱۳۸۵)؛ قطعاتی از بکت (۱۳۸۷)؛ پلیس (مروژک، ۱۳۸۸)؛ زبان کوهستانی (پینتر، ۱۳۸۹)؛ بازی (بکت، ۱۳۹۰) و آخرین نوار کراپ (بکت، ۱۳۹۱) تا کارهایی که اصلاً اجازهٔ اجرا نیافتند، از جمله: تانگو (مروژک، ۱۳۹۱) و هملت: یک کولاژ (ماروویتز)، خود یا زمینه‌ساز ترجمه/پژوهش‌هایی مجدد می‌شدند و یا از یک ترجمه/پژوهش قبلی نشأت گرفته بودند. بدین ترتیب، شمار زیادی متن نظری فراهم آمده بود که زمینهٔ پیوندشان خود مسئلهٔ متن/اجرا بود.

پیوند و جدایی این دو مقوله در تئاتر مدرن اساساً سنتی دیرپا و بسیار بحث‌برانگیز است. این در تئاتر مدرن است که گرایش به متن/تفسیر/دراماتورژی از یکسو و گرایش دیگری که مبتنی بر گسست کامل از متن است از سوی دیگر کنار هم حرکت می‌کنند. کشاکش و تأثیر دیالکتیکی این دو سنت به بهترین شکل ممکن خود را در تقابل نویسنده و کارگردان به‌عنوان خالق نشان می‌دهد. کافی است نگاهی بیندازیم به مثلاً قطب چخوف/برشت در مقام نویسنده و قطب استانیسلاوسکی/آرتو/مه‌یرهولد به‌عنوان کارگردان در بزنگاه تئاتر مدرن. همپوشانی این دو سنت نیز خود از شقّ سومی در خیزش تئاتر مدرن خبر می‌دهد. هر دو شقّ را می‌توان بر مبنای اقتدار نویسنده و اقتدار کارگردان تفسیر کرد، یا تئاتر کارگردان و تئاتر نویسنده. بنابراین، شقّ اول که بیشتر با کار برشت در مقام نویسنده مقتدر شکل گرفت بر اساس اولویت متن نمایشی و دنیای نویسنده بود، در صورتی که شقّ دوم که بیشتر آرتویی است بر مبنای اولویت کارگردان و تحقیر متن است.

برشت خود کارگردانی آثارش را بر عهده داشت، و در سنت برلینر آنسامبل، کارگردان‌ها اجازه تخطی از شکل متن و بعضاً میزانشن‌های آن را نداشتند. شکل افراطی‌تر این قضیه کمی بعدتر در کار بکت به‌عنوان مؤلف بی‌چون و چرای متن/اجرا نمود پیدا کرد. آثار او با آن حجم بالای دست‌نخورده‌ها (روزهای خوش) عملاً نمایانگر تلاشی افراطی در محدود ساختن کارگردان است. از سوی دیگر، حکم آرتویی «دیگر شاهکاری وجود ندارد» (تئاتر و هم‌زادش)، عملاً از گشایش جبهه جدیدی در مقابل نویسنده خبر می‌دهد که کمی پیش‌تر، استانیسلاوسکی با تفسیر آثار چخوف (باغ آلبالو) آن را شروع کرده بود. گروتفسکی این تجربه آرتویی را تا حد کلاژ متون کلاسیک/کتاب مقدس و نادیده گرفتن شاهرکارها (به‌سوی تئاتر بی‌چیز) پیش می‌برد و نهایتاً تجارب تئاتر آوانگارد، هپنینگ‌ها، کریکوتاژهای کانتور، لیوینگ تیه‌تر و بسیاری از تئاترهای دیگر خبر از پویایی و عدم سازش این سنت دوم با متن می‌دهد. در این بین، سنت جالب‌تر مربوط به گرایشی می‌شود که هر دو طیف قبلی را که در بالا ذکرشان رفت درهم می‌آمیزد؛ احتمالاً بروک را باید نماینده اصلی این طیف به‌شمار آورد. بروک چهارراه برخورد متن/نویسنده/کارگردان/اجراست. او علاوه بر اینکه با طیف متنوعی از متون کلاسیک و مدرن (شکسپیر، بکت، وایس و چخوف)

همراهی کرده است همزمان دست به تجاری‌ری زده است که اولویت متن را تا حد زیادی نادیده گرفته است (اورگاست، یواس و منطق‌الطیر). بر همین اساس، کار او با نویسندگان و کارگردانان صاحب‌نام در ادامه همین سنت تعریف می‌شود.

تقابل برشتی/آرتویی و در عین حال تلفیق آن در زمانه ما، هنوز هم به مسیر خود، البته با تنش‌هایی کمتر، ادامه می‌دهد. در دهه هشتاد و مابعد آن، جریان آرتویی و تئاتر آوانگارد دیگر از تأثیرگذاری قبلی خود فاصله گرفته بود. محو و جذب شدن این سنت اجرایی در منطق بازار و پیدا شدن جنبه‌های توریستی، گرایش به عرفان‌گرایی شرقی، سرک کشیدن به سنت‌های تئاتری غیرغربی و شکل‌گیری پدیده تقاطعی بینافرهنگی (البته با خصلت‌های استعماری) و سویه‌های پست‌مدرنیستی (آرین منوشکین) تقریباً کار اکثر گروه‌های آوانگارد دهه شصت را، که از قضا خصلتی به‌شدت سیاسی داشتند، خنثی کرد و از بین برد. بدین ترتیب کار گروه‌های آوانگاردی چون پرفورمنس گروپ، لیوپینگ تیه‌تر، ووستر گروپ و پرفورمنس تئاترهای ویلسون و فورمن در دهه هشتاد با تغییر جهتی عمده همراه گشت که یکی از شاخصه‌های اصلی آن بازگشت به متن بود. این گرایش در بهترین حالت در رجعت ویلسون به شاهکارهای ادبی (بوشنر، ایبسن، بکت، شکسپیر و چخوف) نمود یافته است.

این بازگشت کنایی به متن و اقتدار نویسنده در عین حال که از استحکام سنت نویسنده در مقام خالق اول تئاتر خبر می‌دهد نمایانگر وضعیت و جایگاه بغرنج متن/تئاتر/اجرا/اثر هنری در دوره ماست که باید نسبت خود را با منطق لیبرالیستی بازار، سیاست و زیبایی‌شناسی رادیکال تعیین می‌بخشید و از نو تعریف می‌کرد. طیف مشخص‌تر این بازنگری در کار سیاسی/زیبایی‌شناسانه بوال، استانیه‌وسکی، رضا عبدو، ویلسون، Forced Entertainment، سوزوکی، ووستر گروپ و به اصطلاح پست درام مثلاً سارا کین و مارتین کریمپ قابل پیگیری است.

اکثر مقالاتی که در این کتاب آمده‌اند علاوه بر اینکه در یکی از دو مقوله بالا دسته‌بندی می‌شوند، ویژگی مشترک دیگرشان مدرن بودن‌شان است. اما علاوه بر این، هریک از



این متون از نوعی سلیقه/دل‌بستگی شخصی مشترک در ما هم خبر می‌دهند. همه این متون با نوعی دل‌بستگی شخصی به یک نویسنده و کارگردان خاص ترجمه شده‌اند و در بسیاری از اوقات قضیه فقط صرف ترجمه و عمل به سفارش مجله‌ای خاص برای ترجمه نبوده است. نام‌هایی چون کات، شکنر، بروک، چخوف، برشت، بکت، سارتر، ایبسن، ویلسون، گروتفسکی، کانتور، مولر و دیگران، بیشتر نمایانگر نوعی سلیقه/جهت‌گیری فکری خاص هستند تا هر چیز دیگری. کتاب فعلی با این پس‌زمینه فکری شکل گرفته است و بنابراین، علاوه بر اینکه نام‌های بزرگ عمده‌ای را شامل می‌شود به‌ناچار نام‌های زیاد دیگری را نادیده گرفته است؛ اما برای شکل‌دهی به مفهومی از مدرن که هم‌زمان نمایانگر سلايق فکری ما در کار تئاتری‌مان در گروه و جهت‌گیری تاریخی مدرنیسم در تئاتر باشد، مجبور به ترجمه چندین متن جدیدتر و اضافه کردن آن‌ها به این مجموعه شدیم.

بنابراین، مجموعه‌ای که در اینجا گردهم آمده کشکول نیست، اما از فقر خود در ترسیم چهره‌ای کامل از تئاتر مدرن آگاه است. این کتاب علاوه بر اینکه دعوی پرکردن شکاف‌های نظری موجود را ندارد با این دعوی متظاهرانه و از سر فروتنی که شکلی تصادفی و «ضدکارشناسانه» دارد نیز همخوان نیست. شاید در بهترین حالت این مقالات نمایانگر سمت و سوی نظری باشد که از هشت سال پیش در گروه تئاتر ۸۴ پیدا شد و تا حد زیادی هم‌زمان در عمل تئاتری نمود یافت. پیوند نظریه و عمل در این کتاب بازتابی است از تلاش عینی ما به‌هنگام کار با نمایشنامه‌هایی از ممت، چخوف، بکت، پینتر، مروژک و دیگران. در عین حال نام مترجمان از عنوان مقالات این کتاب نیز حذف شده است تا بازتابی کنایی باشد از هویت/سلیقه/جهت‌گیری فکری یکسان ما دو نفر به‌هنگام همکاری چندین ساله‌مان در این فضای پر هرج و مرج تئاتر: یا تنفسی سخت در هوای تئاتر. به این ترتیب، در حالی که فصل اول دنیای نویسنده را بازتاب می‌دهد، فصل دوم به اجرا/عمل تئاتری اختصاص یافته است.

به‌رغم اینکه عمر تئاتر مدرن از صد سال گذشته است ابعاد زیادی از این سنت و کار/پژوهش فکری سازدگانش هنوز در کشور ما ناشناخته است. این تلاشی است برای گشودن نوعی فضای انتقادی/فکری برای بازاندیشی در این سنت، نقد درونی آن

و احتمالاً امید به نمایش وجه مُخرب تجربه‌گرایی و کلی‌بافی‌های شهودی/اغریزی/دلی در نظریه و اجرای تئاتر مدرن ایرانی.

رضا سرور / علی‌اکبر علیزاد

